

یادداشت

محمد مهدی لیبی | جامعه شناس

ارتباطات رسانه‌ای بانسل جوان



رسانه‌ها در دنیای امروز وضعیتی مشابه خانواده یا بسیاری از نهادهای اجتماعی دیگر را پیدا کرده‌اند، به صورتی که همچنان بخش هایی از آنها در فضای سنتی قادر به ادامه حیات هستند. شیوه‌های سنتی رسانه برای گروه‌های محدودی از مخاطبان، همچنان جذاب و سودمند است اما جوانان و بخش عمده‌ای از جمعیت (حتی بزرگسالان و کودکان) از این شیوه‌ها عبور کرده‌اند. مهم‌ترین مسأله این است که بافت جامعه ایران، حالتی یکدست ندارد. به سختی دیگر، یک‌شکلی که در جوامع غربی از نظر نوع رفتار دیده می‌شود در جامعه ایرانی دیده نمی‌شود و شاید مهم‌ترین نکته این است که ما همزمان در وضعیت فعلی، ترکیب خاصی از جامعه مدرن و سنتی را داریم. کافی است به شهری مانند تهران نگاه کنید.

هنوز هم در تهران می‌توان تفکر کاملا سنتی آن هم در حد افراطی دید. در همین شهر افرادی زندگی می‌کنند که شاید تفکر مدرن بودن برای آنها توصیف مناسبی نباشد. با این حساب، همیشه سنتی بودن پدیده‌ای منفی نیست و مدرن بودن هم لزوماً به معنای برتری نیست. برای این‌که از سنت و مدرنیته بحث کنیم، ابتدا باید تعاریف مفهومی خودمان را داشته باشیم تا تصویر درستی ارائه دهیم.

در نهایت، رسانه از آنجا که مخاطبانی فراگیر دارد، ناچار باید از شیوه‌های مدرن بهره ببرد. البته مقصود از شیوه، بهره‌مندی از روش‌های ارتباطی نیست، چون این روش‌ها بر اساس شرایط روز و پیشرفت‌های فناوری تعریف می‌شوند و به محتوا و نوع نگاه و تصویر برنامه‌سازان از مخاطب مربوط می‌شود که می‌تواند یک طیف وسیع را دربرگیرد.

پس اگر می‌خواهیم میان جوانان و دین، ارتباط برقرار کنیم بسیاری از نهادهای اجتماعی از جمله نهادهای واسطه‌ای، همچون رسانه باید این ارتباط را مستحکم سازند. البته این یک واقعیت است که حضور دین در جامعه، ماهیت متفاوتی یافته است اما این به معنای جدا شدن جوانان از دین نیست. در واقع، دین به یک نیاز پاسخ می‌دهد؛ نیازی که اگر ما آن را نادیده بگیریم، حتی فضای زندگی عادی و روزمره افراد نیز دچار مشکل می‌شود.

پیتر برگر در کتاب ذهن بی‌خانمان روی همین معنا تأکید می‌کند که جوانان حتی همه اقشار جامعه در دنیای امروز، با کم‌رنگ کردن باورهای دینی، به یک خلأ معنایی رسیده‌اند که زندگی را برای آنها دشوار ساخته است، اما به طور مشخص پیش از هر چیز باید جوان امروزی را درست آن‌گونه که هست به رسمیت بشناسیم.

اگر قرار باشد انتظار ما از جوانان با مقایسه دوران جوانی نسل بزرگسال باشد، بی‌گمان به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. معمولاً این پرسش‌ها به‌صورت کلی پاسخ داده می‌شود که نتیجه خاصی هم ندارد. به طور خاص، بر این نکته اشاره می‌کنم که برای ایجاد و تقویت این ارتباط باید از اخلاق شروع کرد، سپس وارد مقوله دین شد و در عین حال، تبعیض‌ها، نابرابری‌ها، کمبودها و بسیاری از مسائل و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی را در جامعه در نظر گرفت. نمی‌توان از دین، عدالت، انصاف و دیگر فضایل اخلاقی سخن گفت اما شواهد مطلوبی برای آن نداشت. بنابراین، رسانه باید دقیق و موشکافانه عمل کند، انتظار تحول سریع نداشته باشد و مطمئن باشد می‌تواند اثرگذاری خود را مانند گذشته اما به صورت دیگری حفظ کند.

مثلا تقویت حضور شبکه‌های رادیویی در فضای مجازی، منجر به فعال شدن این بخش دیده‌شدن رادیو شده و زمینه بیشتری برای ارتباط مخاطبان با رسانه فراهم کرده است. بی‌گمان دربارۀ دیگر رسانه‌ها نیز این تحولات روی داده و امیدوارم تهدید رسانه‌ای را به فرصتی بزرگ تبدیل کنیم و در حال حاضر شواهد این مدعا آشکار است.

خبر

رسول صدرعاملی برای تولید فیلم جدید خود قرار است از کتاب «زیبا صدایم کن» نوشته فرهاد حسن‌زاده از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اقتباس داشته باشد. صدرعاملی گفت: بسیار خوشحالم که فرصتی فراهم شد تا بتوانم باکانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان همکاری داشته باشم. من این کتاب را خواندم و بسیار آن را دوست داشتم و از آنجا که همواره در آثارم به سمت هویت‌بخشی پیش رفته‌ام، فکر

رسول صدرعاملی فیلم اقتباسی می‌سازد

موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عنوان کرد:

تسلط بر تاریخ برتری می‌آورد

موسی نجفی، صاحب «نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان» در کرسی‌های نظریه‌پردازی، تاکنون در مسئولیت‌هایی چون مدیر گروه اندیشه سیاسی دانشکده الهیات و فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، رئیس پژوهشکده فرهنگ، انقلاب و تمدن اسلامی، رئیس گروه نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی و مدیر گروه دوره دکتری علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و کرسی استادی دانشگاه علوم اسلامی رضوی فعال بوده است.
نجفی، سال ۸۲ برای تألیف کتاب «مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرد. استاد پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، در نشست با مدیران ارشد صداوسیما در موضوع تحول محتوایی رسانه معتقد است که در تمدن نوین اسلامی باید جایگاه عقلانیت، فقه، فلسفه و عرفان نیز دیده شود چون همه از منشا اسلام هستند و تأکید می‌کند در مواجهه با هژمونی تمدن غربی، صداوسیما باید به بازشناسی این میراث تمدنی به جامعه خصوصاً نسل جوان بپردازد. مشروح کامل سخنان او پیش روی شماست.



مریم فلاح نویسنده و پژوهشگر

در بحث نظریه‌پردازی انقلاب، شما را ارجاع می‌دهم به کتاب «انسان دویست و پنجاه ساله» رهبری. آقا نکته‌ای دارند راجع به دشمنان پیامبر در مدینه که چندین گروه بودند؛ از جمله یهودی‌ها که چون عقبه فکری‌شان برمی‌گشت به تورات به جهت آن سابقه چندصدساله، نسبت به کفار برتری فرهنگی داشتند؛ آنها وقتی با آن سابقه فرهنگی نزد پیامبر احتجاج می‌کردند، پیامبر(ص) نیز باید در مقابل‌شان برتری نشان می‌دادند. گروه دیگر کسانی بودند که با پیامبر(ص) بودند، ولی رشد مدنی جامعه اسلامی را نمی‌توانستند درک کنند. رشد جامعه مدنی به مسأله غدیر و ولایت امیرالمومنین ختم می‌شود. آنها در عین این که در جنگ‌های بدر و احد شرکت داشتند و از صحابه پیامبر بودند ولی با این رشد همراه نبودند. امروز این موضوع باید برای ما درس شود. یعنی وقتی وارد دهه چهارم و پنجم انقلاب می‌شویم، باید مقتضیات این دهه‌ها را هم قبول کنیم. وقتی رهبر معظم انقلاب می‌گویند «تمدن نوین اسلامی»، ما همچنان حواس‌مان به مرحله نهضت است. مانند همان گروهی از صحابه که در سال دهم هجرت در مدینه نوع نگاه‌شان از جنسی بود که در سال‌های اولیه در مکه داشتند. این نوع نگاه یعنی این که در کار ما اشکال وجود دارد.

به دنبال نظریه‌ای منسجم

امروز عده‌ای سرنگونی نظام شاهنشاهی را علت انقلاب اسلامی می‌دانند در حالی‌که سقوط نظام شاهنشاهی، معلول انقلاب اسلامی است و نه علت آن؛ مثلاً آیا ما می‌توانیم بگوییم سرنگونی جاهلیت علت مبعث است؟ معنی‌که حرف آسمانی الهی است اصلاً مربوط به مردم عربستان نمی‌شود. آن زمان پیامبر با جاهلیت و امثال ابوسفیان درگیر شده اما اینها علت و معلول که نیستند. فقط در یک زمان با یکدیگر مقارن شده‌اند. در مورد پیروزی انقلاب اسلامی هم همین طور است. انقلاب

می‌کنم این قصه نیز قابلیت دارد و می‌توان در این زمینه از آن استفاده کرد. کارگردان «دختری باکفش‌های گتانی» بیان کرد: شهرداری تهران به دنبال این است که خیابان ولیعصر(عج) را در ردیف خیابان‌های شاخص جهان معرفی کند، چراکه یکی از شاهراه‌های اصلی جنوب به شمال تهران است. قصه ما نیز از میدان راه‌آهن آغاز می‌شود و در یک صبح تاشب به تجریش می‌رسد. بنابراین از این بعد، معرفی شهر تهران نیز می‌تواند

نقش مهمی داشته باشد. با توجه به شرایط امروز این داستان امکان خوبی را برای ما فراهم می‌کند تا به رابطه پدر و دختر، خانواده ایرانی و تلاش برای با هم بودن بپردازیم. صدرعاملی افزود: امروز همه به شدت به دنبال تولید آثار کودک و نوجوان هستند اما کانون پرورش فکری، یک نشان جهانی است و وقتی نامش پای کار می‌آید همه به احترام آن می‌ایستند. بنابراین با علم به همه این موارد من در این زمینه گام برداشته‌ام.

ببینند در حالی که ما باید یک نظریه منسجم از انقلاب داشته باشیم.

نگاه شهید مطهری در سیر تفکرات انقلابی

به نظریه‌ای از مرحوم استاد مطهری اشاره می‌کنم. ایشان در کتاب «نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر»، واژه اصلاحات را جزو واژه‌های زوج قرآنی می‌دانند و می‌گویند: «اصلاح» ضدش فساد و «مصلح» ضدش مفسد است و این واژه‌ها باید با ضدش شناخته شود. بعد می‌گویند این‌که با جامعه به اصلاح توجه کند خیلی برکت دارد، اما می‌ترسم که به یک افراطی برود و شخصیت‌ها و بزرگان‌مان را فقط با ملک «اصلاح» بسنجد. ایشان این نگاه را یک زنگ خطر می‌دانند چون باعث می‌شود جامعه خیلی از شخصیت‌ها را از دست بدهد و استدلال درستی هم هست. ایشان یک تقسیم‌بندی سه‌گانه دارد. می‌گویند با این نگاه ما اول باید افراد صالح داشته باشیم، خب این ملاک را در بین روحانیون می‌بینید، مثلاً روحانی‌ای که پیش‌نماز مسجد است، در حالی‌که ممکن است انقلابی نباشد، اشکالی هم ندارد. در همین حد که صالح است و پاسخگوی مسائل شرعی مردم، خوب است. حالا اگر دیدیم این صالح توتاش را دارد که کار اجتماعی انجام دهد، مصلح اجتماعی می‌شود. ایشان از آیت‌ا... بروجردی و مرحوم شیخ عباس قمی، صاحب مفاتیح به عنوان مصلح اجتماعی نام می‌برد، یعنی می‌توانیم در سیر انقلابی و تفکر دینی‌مان نظریه‌ای داشته باشیم که در آن آقا شیخ عباس قمی هم دیده شود. شاید عجیب به نظر آید که چرا آقای مطهری در بحث مصلح اجتماعی

از ایشان نام می‌برد. مطمئناً نتیجه جمع‌آوری و تدوین مفاتیح برای شیعیان آن‌قدر برکت داشته که سازمان امنیت عراق هر که را با مفاتیح می‌دید، اعدام می‌کرد. خاطرم هست دم مرز که می‌رسیدیم مأموران امنیتی، مفاتیح‌ها را از ما می‌گرفتند تا به قیمت گزافی به شیعیان بفروشد. رزاشاه هم مخالف مفاتیح بود، مطمئناً خواندن آن تأثیری بر جامعه داشته که به مذاق دیکتاتورها خوش نمی‌آمده است اما مصلح سوم از

نظر ایشان مصلح سیاسی مثل امام است که در رأس قرار دارد و از آن بالاتر، حضرت حجت‌بن‌الحسن(عج)،

نظریه دوم شهید مطهری این است که می‌گویند امام خمینی(ره)، من متعالی جامعه را برانگیخت و مردم با این من متعالی حرکت کردند که یک جریان عجیبی است. ـ در صورتی که ما بعضی وقت‌ها مثلاً در زمان انتخابات روی چیزهای غیر متعالی جامعه دست می‌گذاریم برای این‌که رای بیاوریم ـ مردم یکدفعه با این من متعالی حرکت کردند و این خودش یک نکته عجیبی است. کار امام هم نیست. فرقی که رهبران انقلاب الهی مثل امام خمینی با امثال لنین، گاندی و کاسترو دارند این است که آنها مثل ناخدا عمل می‌کنند. این رهبران

اگر بخواهیم بنا بر اقتضائات تمدن رفتار کنیم، باید سیر تکاملی در بحث تمدن اسلامی را بپذیریم. اگر انقلاب هویتی قلمداد شود همان طور که «شیخ عبدالکریم حائری» را می‌توانیم در آن تعریف کنیم، شیخ عباس قمی، علامه حلی، خواجه نصیر و حتی سعدی و حافظ را می‌توانیم در این دایره قرار دهیم. این بزرگان در صداوسیما ما غایبند، در حالی که با انقلاب اسلامی نسبت زیادی دارند

الهی جهت و سرعت باد را به خوبی می‌توانند تشخیص دهند بعد فقط بادبان‌ها را به جهت مناسب تغییر وضعیت می‌دهند، یعنی خود آنها نمی‌توانند علت باشند. امام(ره) هم به این نکته اشاره کرده بودند اما ما فکر می‌کردیم تعارف است. امام در وصیت‌نامه‌شان می‌گویند این انقلاب، یک انقلاب الهی است و ما در آن دخیل نبودیم، یک انقلاب الهی که از عالم غیب، خداوند به ملت ایران ارزانی داشته و رمز بقایش هم ایمان به غیب است. این اعتقاد می‌تواند مبنای تئوریک باشد. اصلاً همین نگاه است که ما را از مارکسیست و لیبرال جدای می‌کند تا انقلاب را سکولار تحلیل نکنیم. از نظرات شهید



اصغری افزود: به دنبال موفقیت شماره ۱۰ در جشنواره فجر سال گذشته، دو فیلم جدید را هم برای جشنواره فیلم فجر امسال در نظر گرفته‌ام و رایتی‌های خود را برای ساخت دو فیلم سینمایی دیگر با احمد کاوری و حمید زرگرزاد کارگردان (شماره ۱۰) در پیش داریم و امیدوارم این رایتی‌ها نتیجه‌بخش باشد و همکاری دیگری را با این دو کارگردان داشته باشم. شماره ۱۰ فیلمی ایرانی به کارگردانی و نویسندگی حمید زرگرزاد و به تهیه‌کنندگی ابراهیم اصغری محصول سال ۱۴۰۱ است. این فیلم نخستین بار در بهمن ۱۴۰۱ در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و با ۱۱ نامزدی توانست در چهار رشته بهترین بازیگر مرد، بهترین موسیقی متن، بهترین چهره پردازی و بهترین طراحی صحنه موفق شود. بیشترین جایزه سیمرغ بلورین را در بخش سودای سیمرغ از آن خود کند.

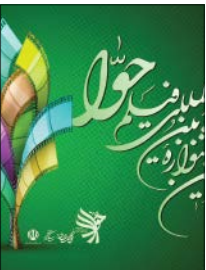
رویداد

آثار ۲۳ کشور در جشنواره «حوا»

دیربخانه نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم «حوا» در آستانه برگزاری از دریافت آثاری از ۲۳ کشور و حضور مهمانانی از ۱۴ کشور در این جشنواره خبر داد.

مجموع ۳۵۰ عنوان فیلم ارسال شده به بخش بین الملل نخستین جشنواره فیلم حوا در قالب‌های فیلم بلند سینمایی، مستند و فیلم کوتاه از کشورهای

چون ایتالیا، ایرلند، قرقیزستان، بلژیک، چین، تایوان، لبنان، هند، آرژانتین، ترکیه، سوریه، مقدونیه، روسیه، صربستان، دانمارک، مجارستان، ارمنستان، لیتوانی، اتریش، اسپانیا، تاجیکستان و... در این رویداد حضور دارند. همچنین مهمانان بخش بین‌الملل نیز شامل جمعی از فیلمسازان، تهیه‌کنندگان و فرهنگیان و هنری از ۱۴ کشور قرقیزستان، لبنان، ارمنستان، عراق، سوئیس، بوسنی و هرزگوین، بنگلادش، تاجیکستان، چین، مغولستان، ایتالیا، قزاقستان، روسیه و هند در نخستین جشنواره فیلم حوا حضور پیدا خواهند کرد. نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم حوا به همت بنیاد بین‌المللی گوهرشاد و به دبیری مهدیه سادات محور ۱۶ تا ۲۳ تیر سال جاری در سطح کشور و ۲۰ تا ۲۳ تیر در تهران برگزار خواهد شد. این رویداد محوریت موضوع زنان و خانواده را در دستور کار خود دارد.



تعطیلی سینماهای فرانسه

سینماهای فرانسه در بنبوحه شورش‌های سراسری که به دلیل تیراندازی مرگبار پلیس به یک نوجوان ۱۷ساله رخ داد، تعطیل شدند. این موضوع، موجی از شورش و خشونت را در سراسر کشور برانگیخت که به تعطیلی زود هنگام سینماها و منع رفت و آمد در شهرها منجر شد. گشته شدن این نوجوان ووضعیت به وجود آمده به هرز شگفت‌آوری یادآور فیلم رومن گاوراس «آتنا» محصول سال ۲۰۲۲ است که در آن پس از مرگ پسر ی توسط پلیس منجر به افزایش تنش‌ها در سطح ملی می‌شود.



قاب